

# شعر غایب

اصفهان شهری است کهن که از دیرباز همه وجوه مدنیت را با هم داشته است. مذهب، صنعت، وفور آب و زراعت، نظامی گری، تجارت، فرهنگ، هنر و ادبیات و آنچه لازم است برای آبادانی و شکوفایی همه جانبه تلمروی به وجود آید، در اینجا موجود بوده است. به همین علت اصفهان در تاریخ، چندبار دارالحکومه بوده است.

## ❖ جایگاه شعر امروز اصفهان

### در ادبیات ایران

کاستی و مشکل عمده اصفهان وجود اختلاف در اعتقادات دینی و فرقه‌ای بوده است که تا به امروز هم « این سابقه دیرین » ادامه دارد. حمدالله مستوفی در قرن هشتم، ابتدا از وفور نعمات این شهر یاد می‌کند، آنگاه می‌گوید که با وجود وفور نعمات، مسأله دو هوایی - به معنی دوگانگی اعتقادی - در اصفهان این عیش را تلخ و منقض می‌کند و رنگ از چهره نعمتها می‌برد.

اصفهان در قدیم به دو بخش شهرستان و جهودان تقسیم می‌شده است. یعنی یک منطقه مسلمان‌نشین و یک منطقه یهودی‌نشین داشته است. مسلمانان این شهر گروهی حنفی و گروهی شافعی بوده‌اند که به تعبیر حمدالله مستوفی با اینکه در دیانت طاعت تام و تمام داشته‌اند، دائماً با یکدیگر در نزاع بوده‌اند و حتی گفته شده است که هجوم مغول نیز با سوء استفاده از این اختلافات به پیروزی‌هایی رسید.

متأسفانه این فتنه‌ها و اختلافات فرقه‌ای در طول تاریخ تأثیر خود را بر روحیه و ادبیات این شهر باقی گذاشت بگونه‌ای که نسبت به حرکت‌های فکری و اعتقادی و ادبی نوعی بدبینی و عدم استقبال به وجود آمد. مثلاً، اگر شما به حرکت شعر نو در ایران توجه کنید می‌بینید که وقتی نسیم شعر نیما به خراسان رسید، خراسان آن را دریافت کرد و به شکل تکامل یافته‌ای عرضه کرد؛ به تهران که رسید؛ - این شهر جدید و نوپا - آن را دریافت کرد و به شکل جدی‌تری عرضه کرد؛

### نوگس گنجی \*

سخن بر سر جایگاه شعر امروز اصفهان در ادبیات معاصر ایران است به لحاظ کمیت و کیفیت حضور این شعر در صحنه. و اگر به ابعاد دیگر این شعر هم اشارتی برود از این جهت خواهد بود که چه اثری بر میزان حضور شعر اصفهان در محنة ادبیات امروز ایران گذاشته است.<sup>۱</sup>



## ❖ امروزه؛ شعر موفق شعری است که در عین آلفه به درد مصرف امروز مردم بخورد، ماندگاری هم داشته باشد.

با اینکه شعر امروز اصفهان استوار است و قوافی، ضعیف و کلمات سست، و آن چیزی که شعر را زشت کند در آن نیست، لکن معیارهای نقد در این جا بیشتر ناظر به صحت و صلابت شعر است و کمتر بداعت و تازگی آن را در نظر می‌آورند؛ و این نقصی است.

### ◆ کهن‌گرایی: تیغ دودم

«کهن‌گرایی» هم نقطه قوت شعر اصفهان است و هم نقطه ضعف آن. نقطه قوت است از این لحاظ که در اینجا نقد شعر سلیقه‌ای و تابع جریان‌ات ژورنالیستی و موجی نیست. نقدی است که معیارهای آن را تجارب ادبی گذشتگان به دست داده است. مثلاً وقتی شعری در «انجمن صائب» - که با سابقه‌تر و مشهورتر و فعالتر است - مطرح می‌شود به گونه‌ای نقد می‌شود که کلمه مناسبتری به جای هیچیک از کلمات آن پیدا نکنیم. یعنی در انتخاب کلمات برای القای معنای لازم دقت می‌شود و این ویژگی در شعر بسیاری از شاعران جاهای دیگر نیست. برخی از مشهورشدگان شهرهای دیگر و صاحبان دفترهای منتشر شده گاه نفهمیده‌اند که با تغییر یک کلمه کوچک می‌توانسته‌اند شعر خود را نجات دهند!

پس از انقلاب بویژه در سالهای اخیر در شعر ایران اعتنا و گرایش به سبک اصفهانی و به تعبیری سبک هندی، آشکار است، لکن در همان سالهایی که در دانشگاهها و محافل علمی به این شیوه شعری دشنام می‌دادند و می‌گفتند شعری است «مشکل، پیچیده و مبتذل» و توجه نمی‌کردند که صرف مشکل نمودن شعری، عیب آن به شمار نمی‌رود، در انجمن صائب و با همت مرحوم استاد «شیدا» که حیات شعری خود را به اصفهان و صائب مدیون می‌داند و استاد بزرگوار آقای صاعد، خوانده می‌شده و اهل شعر از آن بهره می‌برده‌اند. این

حتی در شعر کلاسیک اثر سازنده داشت. اما همین نسیم از سرهوی خشک اصفهان گذشت و از آن استقبال نشد. یعنی شعر کلاسیک اصفهان این تأثیر را دریافت نکرد و بتها و قطبهای ادبی این شهر همچنان بزرگان ادب کهن ایران بودند و هستند. اگر کسانی هم خواستند حرکت شعر نو را به عنوان یک واقعیت بپذیرند، مورد طعن و طرد و بی‌مهری قرار گرفتند.

امروز هم با اینکه شعر اصفهان از نظر کمی و کیفی قابل ملاحظه است یعنی نسبت به شهرهای بزرگ دیگر ایران، هم شمار شاعران بسیار است و هم اینکه نقد شعر در اینجا قوت دارد و اسلوب غزل که بیشتر عرضه می‌شود نسبتاً استوار است و ستونهای پولادینی که گذشتگان برای شعر بنا نهادند تکیه‌گاه آن است و در انتخاب الفاظ و معانی سنجش و دقت لازم وجود دارد، لکن تعابیر و الفاظ، کهنه و تکراری‌اند. بخشی از شعر اصفهان نه ادامه طبیعی سبک بازگشت است و نه مولود سبک هندی است چرا که وقتی شعر صائب را با شعر سعدی مقایسه می‌کنیم می‌بینیم که شعر هر یک از آنها حال و هوای زمان خود را یافته، ضمن اینکه از تجارب شعری گذشته هم استفاده کرده است. اگر در شعر سعدی کلمه «شتر» بارها تکرار شده؛ در شعر صائب این نیست ولی کلمات جدیدتری هست که با نوع زندگی زمانه او مربوط است. مثلاً کلمه عینک در شعر سبک اصفهانی وارد شده است. حال آنکه در شعر اصفهان بعضی الفاظ و مضامین تعابیر کهنه و نامأنوس و خارج مانند «جرس» و «درای کاروان!» و دعوای «شمع و پروانه» و «گل و بلبل» مسائل دیگری که کمبود وقت اجازه ورود به آنها را نمی‌دهد هنوز ادامه دارد. بدیهی است نوع زندگی امروز شاعر سروکاری با این نامها و اینگونه مضامین ندارد و تنها حاکی از نوعی شیفتگی غیرمنطقی به سنتهای شعری گذشته است.

سنت همچنان بریاست و تأثیرات مثبت خود را در شعر برخی از شاعران خوش قریحه اصفهان از نظر مضمون آفرینی و خیال‌اندیشی گذارده است.

#### ◆ شعر زمان و زمان شعر

تأثیر عامل زمان را در نشر شعر نباید فراموش کرد، شعر قدیم اگر مدیحه بود همان موقع به مصرف می‌رسید و اگر حال و هوایی فکری و عاطفی داشت، مثلاً از زمان امروز غزل، مثنوی، قالب، شعر حکمی و فلسفی بود برای نسل آینده باقی می‌ماند؛ کهنه نمی‌شد تاریخ مصرف نداشت. امروزه شعر موفق شعری است که در عین آنکه به درد مصرف امروز مردم بخورد، ماندگاری هم داشته باشد، یعنی بتواند در هر دو جنبه موفق باشد. بسیاری از اشعاری که در مطبوعات منتشر می‌شود، تاریخ مصرف دارد و به یک دهه نمی‌کشد که بیگانه و فراموش می‌شود. شعر اصفهان از این نظر کمتر مشکل دارد، یعنی شعرهایی که تاریخ مصرف ندارند، بسیارند. با این قوتها و نقاط مثبت شعر امروز اصفهان مشکلاتی دارد که موجب رکود در خود شعر و نیز محدودیت در انتشار آن شده است. به عبارت واضح این شعر در زمینه نشر کم و ایجاد ارتباط با مردم کم کار است. کهن‌گرایی در زمینه شیوه ارائه شعر، بیش از کهن‌گرایی در شیوه سرودن، دامن شاعران ما را گرفته است.

حتی شعر روز (شعر مناسبی) در این شهر نیز در مقایسه با استانهای دیگر - به ویژه تهران - برای مردم ناشناخته است. «شعر جنگ» اصفهان هم به آن اندازه که باید عرضه شود نشد؛ با آنکه نظیر اشعاری که در اینجا به ویژه در زمینه

مفقودان و جانبازان دفاع مقدس شاعران اصفهان سروده‌اند، به لحاظ قوت و تأثیر، در شعر هیچیک از شاعران دیگر ندیده‌ام. اتفاقاً این دو موضوع از جنبه‌هایی است که کمتر در شعر جنگ به آن پرداخته شده است. این شعر متعهد بدون رسیدن به مخاطبان چگونه تعهد خود را اداء خواهد کرد؟

گویا شاعر امروز اصفهان متوجه اهمیت نشر در ایران امروز نبوده است. یعنی نه به ارائه دفترهای شعر اهتمام می‌ورزد و نه برای زمینه فعالیت‌های مطبوعاتی کوشش می‌کند. تنها به همین اکتفا کرده است که اثر خود را برای نقد در انجمن ادبی بخواند یا در شبهای شعر برای شنیدن مردم و تشویق شدن قرائت کند. اثر ادبی و هنری هنگامی در ابلاغ رسالت خود موفق است که مخاطبان بسیاری را تحت پوشش قرار دهد و از این جهت شعر اصفهان منزوی و مظلوم است. وقتی ما به مجموعه‌های شعر امروز ایران یا تذکره‌های شاعران معاصر رجوع می‌کنیم می‌بینیم که از کمیت و کیفیت شعر اصفهان، خبری نیست، یا مورد بی‌مهری قرار گرفته است یا خود زمینه‌ای فراهم آورده‌ایم که برای تذکره نویسان شناخته شده نباشد؛ به خصوص که این روزها در زمینه ادبیات تحقیق به گونه حقیقی، کمتر وجود دارد و بیشتر به دنبال نامهای آشنا هستند تا آشنایان حقیقی که در پرده کتمان مانده‌اند. بنابراین اگر شاعر امروز اصفهان مدعی تعهد و رسالت فرهنگی است، باید برای نشر و ابلاغ شعر خود اهتمام تام قائل شود.

مسأله دیگری که مولود کهن‌گرایی و از موانع نشر است، این که: شاعر این شهر هنوز به جمع‌آوری «دیوان» فکر نمی‌کند یعنی منتظر است تا اواخر عمرش - که هیچکس نمی‌داند چه وقت است! - گزیده اشعارش را به عنوان «دیوان»

◆ **شاعر این شهر هنوز به جمع‌آوری «دیوان» فکر می‌کند یعنی منتظر است تا اواخر عمرش - که هیچکس نمی‌داند چه وقت است! - گزیده اشعارش را به عنوان «دیوان» منتشر کند حال آنکه این رسم، امروز برافتاده است.**



منتشر کند حال آنکه این رسم، امروز برافتاده است. امروز وقتی شعر شاعری به حد معینی از کمیت رسید، تعدادی از آنها را انتخاب و منتشر می‌کند و هرگاه این دفترها حجم قابل ملاحظه‌ای پیدا کردند گزیده آنها را در مجموعه‌ای منتشر می‌کند - که این همان دیوان او خواهد بود ( نظیر آثار دکتر مهدی حمیدی، سهراب سپهری و خانم صفارزاده).

در اصفهان هنوز این رسم جایفته و از این جنبه که شعر سخن زمانه باشد استفاده نمی‌شود، تا اشعار به کهنگی می‌رسند. طبیعتاً وقتی که زمانی بر شعر بگذرد، شاعر در نشر آن تأمل و تردید می‌کند؛ چه، با رشد و تغییر فضای فرهنگی جامعه، شعرهای گذشته شاعر از چشمش می‌افتد و اصولاً از خیر نشر آن می‌گذرد.

#### ◆ شعر در حاشیه زندگی

مسئله دیگری که باعث شده است شاعر اصفهان نتواند مانند یک شاعر حرفه‌ای دائماً در جریان حرکت‌های شعری ایران و جهان واقع شود و شعر را در حاشیه زندگی خود قوار دهد؛ این است که زندگی شغلی او با زندگی شعری او مغایرت دارد. شاعران اصفهان از نظر تقسیم‌بندی شغلی - مثلاً در مقایسه با تهران و حتی شاید در مقایسه با خراسان و فارس - کمتر مشاغل فرهنگی دارند. بیشتر آنان کاسب، کارمند و پیشه‌ورند. طبیعی است که انسانها برای امرار معاش ناگزیرند شغلی اختیار کنند ولی، هم خود شاعران و هم مسئولان فرهنگی استان باید توجه داشته باشند که صاحبان ذوق هنری و ادبی باید به کارهایی مشغول شوند که اگر با هنر آنان هم جهت نیست حداقل مغایرت با روحیه و هنر آنان نداشته باشد. یکی از مسائلی که باعث شده است مشاغل فرهنگی در شهرستانها کم باشد این است که مطبوعات درست و کافی

نداریم. ممکن است در تهران هنرمند، ادیب یا شاعری در اوان یا اواسط زندگی متوجه شود که شغل یا رشته تحصیلی‌اش برای استعدادش مناسب نیست، و چه بسا آن را رها می‌کند و مسیر زندگی خود را تغییر می‌دهد. فرض کنید رشته تعزیه خوانده است ولی در یک نشریه ادبی کار می‌کند، رشته حقوق خوانده است ولی کار فیلمسازی را دنبال می‌کند تا به حدی از تخصص برسد، این امکان در اینجا نیست زیرا ما نهادهای فرهنگی، مطبوعات و مشاغل فرهنگی کم داریم شکل‌گیری نهادهای فرهنگی مقدماتی لازم دارد که فراهم نیست. شکل تمرکزگرایی و اینکه بخش عظیمی از امکانات فرهنگی در تهران جمع شده است، بجای خود، اما مهمتر آن است که برای کار فرهنگی عظیم که بتواند عده کثیری را جذب کند، نیازمند جماعت هستیم. اصولاً کار فرهنگی پیشرفت‌ش به جماعت نیاز دارد که « یدالله مع الجماعه ». هر کس هر قدر هم که قدرت و خلاقیت داشته باشد به تنهایی نمی‌تواند به نتیجه برسد. برای ایجاد یک تحول، و تضعیف روحیه معیشت محوری، و بدبینی نسبت به پدیده‌های جدید، و عادت به تحمل سلیقه‌های متفاوت به کار جمعی نیاز داریم. در کار جمعی هم برخورد آراء هست، هم اشتغال ایجاد می‌شود و هم افراد بهتر و بیشتر می‌توانند پیشرفت کنند. برای ایجاد جمعیت باید قدر استعداد یکدیگر را بدانیم و آراء یکدیگر را بشنویم. به علاوه این جمعیت‌های فرهنگ باید با مطبوعات مرتبط باشند یا خود، کار انتشاراتی انجام دهند.

آنچه از مسئولان فرهنگی شهر انتظار می‌رود، این است که زمینه رشد هنرمندان و ادبا را بیشتر فراهم کنند؛ مجامع هنری و ادبی از نظر مالی حمایت شود و در کار انتشار آثار شاعران، مراکز فرهنگی همت کنند. انجمن صائب می‌تواند فصلنامه‌ای داشته باشد که آثار برجسته هر فصل را منتشر کند

**◆ یکی از مسائلی که باعث شده است مشاغل فرهنگی در شهرستانها کم باشد این است که مطبوعات درست و کافی نداریم.**



ادب قطع رابطه کرده است چگونه می‌تواند در صحنه‌ای که آن را نمی‌شناسد حضور فعال داشته باشد و پیام خود را برساند؟! در کمک به حل این مشکل به دلیل گرانی و کثرت مطبوعات لازم است به همت مردم و مسؤولان، مکانهایی ایجاد شود که در آن نشریات ادواری به سهولت در دسترس اهل مطالعه و اهل ادب باشد.

مشکل امرار معاش خود از موانع مطالعه است و مشکل مشترک بسیاری از مردم، ولی نباید فراموش کرد که کسی که قدم در عرصه معنویات - که ادبیات بخشی از آن است - می‌گذارد باید به عیش کفاف در حد زیستی قانع باشد و می‌تواند در رقابت اقتصادی و مالی با دیگران باشد و در عین حال به کارهای ادبی خود نیز در حد اعلا برسد.

البته، با چنین وضعیتی شاید «شاعران متوسط» بسیاری پرورده شوند ولی شاعر متوسط شدن مشکلی را حل نمی‌کند. ما در میان فوج قدکوتاهان که در عرصه ادبیات همیشه وجود دارند باید به دنبال قَد بلند باشیم و بدانیم که اگر «به هر آلفی، آلف قدی بر آیه» آن نیز هم هست که:

«فیض روح القدس ارباز مدد فرماید

دیگران هم بکنند آنچه مسیحا می‌کرد»  
یعنی باید زمینه‌پذیرش روح القدس را با خلوت و با معیشت درویشانه در خود ایجاد کنیم. «نیما» در کتاب «حرفهای همسایه» بسیار بر خلوتی که شاعر باید داشته باشد تأکید می‌کند و معتقد است شاعر باید جمع را به خلوت خود بیارود و از حضور بیش از حد لازم در بلوای معیشت خودداری کند.

### ◆ اندیشه‌های درخشان

چون جنبه انتقاد در سخنم غلبه داشت، لازم است در اینجا به اندیشه‌ها و شاعران درخشان اصفهان اشاره کنم. این درخشش چنانکه اشاره شد حاکی از دوری از جریانات نقد سنتی و امین است. در انجمن صائب، هفته‌ای نیست که چند غزل از صائب خوانده نشود و در تک تک بیت‌های آن تأمل نشود. در حالی که اگر به شهرهای دیگر سفرهای ادبی و فرهنگی کرده باشید می‌بینید که بسیاری از شاعران، شعر

که این خود نوعی نقد غیرمستقیم نیز می‌تواند باشد.<sup>۲</sup> دیگر آنکه مسؤولیتهای فرهنگی و ادبی حتی المقدور به کسانی که اهل ذوق و ادبیات هستند واگذار شوند تا استعداد اهل ذوق با معیشتشان در منافات نباشد.

### ◆ باسوادان صوری یا حقیقی؟

یکی از جنبه‌های نعمت در اصفهان - بر اساس آمارها - این است که تعداد باسوادان از استانهای دیگر بیشتر است ولی آیا این افراد، باسوادان حقیقی هستند یا صوری؟ یعنی میزانی که برای اشتغال لازم است به دنبال سواد و تحقیق می‌روند یا به عشق مطالعه و تحقیق؟ واقعیت تلخ این است که حتی کسانی که به نوعی با فرهنگ و ادبیات سروکار دارند مثل معلمان، استادان، شعراء، ادبا و اهل ذوق و قلم نیز به اندازه کافی مطالعه نمی‌کنند. کسی که به اندازه کافی مطالعه داشته باشد آن انگیزختگی و حیات فکری در او ایجاد می‌شود که در جریانهای فکری و ادبی کشور وارد شود، ولی من اصفهانی مطبوعات را نمی‌خوانم؛ من شاعر اصفهانی از تازه‌های شعر ایران خبر ندارم چه برسد به شعر جهان! ولی شاعر امروز ایران به دنبال این است که ببیند شعر آمریکای لاتین در چه مرحله‌ای است؛ شعر غرب، شعر ژاپن و خاور دور از چه مرحله‌ای است و حتی تحت تأثیر آنهاست. ما کاری نداریم به اینکه برخی از این تأثیرات غیر اصیل، ژورنالیستی و حاکی از خود کم‌بینی است، با شاعر نمایان و جریانات کاذبی که مطبوعات در مسائل مختلف از جمله ادبیات ایجاد می‌کنند، نیز کاری نداریم. اما می‌بایست از مسائلی که در جهان امروز می‌گذرد به خصوص در آن چیزی که به هنر و ادب مربوط می‌شود با خبر باشیم. حداقل بدانیم در ادب معاصر ایران چه خبر است! شعر نو و نیمایی چه تحفه‌ای به ما عرضه کرده یا نکرده است. ما با اینکه در گوشمان پنبه بگذاریم و منکر واقعیت‌های موجود شویم، نمی‌توانیم در ایران امروز و جهان امروز عرض اندام کنیم. و همانگونه که پیشتر اشاره کردم شعر خوب و متعهد هنگامی به مقصد خود رسیده است که بجای و بموقع پیام خود را به مردم برساند، کسی که با چنین فرهنگ و



## ❖ اگر می‌خواهیم مثل فردوسی باشیم که پس از هزار سال هنوز مردم بر مزار ما فاتحه دهند، باید همان زهد و مجاهدت را داشته باشیم.

اختصاص خواهد داد.

سخن آخر اینکه ما باید تلاش کنیم از انزوا بیرون آمدن و به صحنه آمدن ما برای تکامل خودمان باشد و رساندن پیاممان، نه برای اظهار وجود. و بدانیم اگر می‌خواهیم مثل فردوسی باشیم که پس از هزار سال هنوز مردم بر مزار ما فاتحه دهند ( و من معتقدم چنین کسی قطعاً آمرزیده است ) باید همان زهد و مجاهدت را داشته باشیم. رهایی از روحیه فرقه‌گرایی و معیشت زدگی به مجاهدت نیاز دارد. آن حرفی را که صائب گفت :

مژده بر هم نزنند در دل شبهای دراز

شانه‌ای را که سر زلف سخن در پیش است  
باید شاعر امروز اصفهان مدنظر قرار دهد تا بتواند از میان بلواها و سر و صداهایی که امروز همه چیز از جمله ادبیات را اشغال کرده است هم دین خود را ادا کند و هم جایگاه واقعی خود را بیابد.

❖ مقاله حاضر متن ویراسته سخنرانی خانم نرگس گنجی استاد دانشگاه و شاعره گرانقدر اصفهانی است که در کنگره شعر و ادب اصفهان ایراد گردید.

### پی‌نوشت:

۱- بیش از این گفتار با شاعر ارجمند استاد محمدعلی صاعد و مرحوم استاد سیدمصالح مهدوی - که در زمان کنگره در فید حیات بوده و دقایقی جمع را به شمع وجود خود روشن کردند - مذاکراتی داشته و از نظراتشان بهره بردم و همچنین از کتاب اصفهان نوشته دکتر عطاغر استفاده کردم.

۲- خوشبختانه مدتی پس از ایراد این گفتار برخی از این خواسته‌ها تحقق پذیرفت و مجموعه‌های ارزشمندی از سروده‌های شاعران اصفهان در قالب دیوان یا جُنگهای ادبی منتشر شد و همچنین فصلنامه فرهنگ اصفهان که به همت اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر می‌شود، بابتی برای نشر شعر و ادب اصفهان گشود.

حافظ و صائب را نمی‌فهمند چه برسد به بیدل؛ ولی اینجا با همان ذوق فطری و میراث گذشتگان شعر این شاعران را می‌فهمیم، می‌شناسیم و از آن الگو می‌گیریم. شعر بسیاری از شعرای متوسط اصفهان از شعر بعضی شاعران مشهور امروز بهتر است. من این را جداً عرض می‌کنم و حاضر به اثبات آن هستم و درست به همین جهت است که این شعر باید به زبان روز نزدیکتر شود تا مضامین تازه آن قربانی کهنگی زبان نشود و درخشش خود را نشان دهد.

شعر استاد صاعد گرچه به زبان روز نیست ولی طراوت و تازگی دارد زیرا علاوه بر استقلال و اصالت اندیشه و دقت احساس، فرزند مشروع و ادامه میراث گذشتگان است. در عین تعهد و شعر زمان بودن تحت تأثیر جریانات گذرا نیست، ما باید از آن نقاط ضعف بگذریم و این نقطه قوت را تقویت کنیم. خوشبختانه شاعران جوانی که نسبت به سن خودشان می‌توان گفت ره صد ساله را یک شبه طی کرده‌اند، کسانی مثل شهرام محمدی ( آذرخش )، سعید بیابانکی، زیبا طاهریان و... ( اگر حضور ذهن و وقت کافی برای یادکردن از عزیزان ندارم، عذر می‌خواهم ) ان شاءالله دیگر اهل دیوانگرایی نخواهند بود و به موقع شعر خود به گوشه‌های تشنه مردم و ذهنهای مشتاق آنان عرضه خواهند کرد و گامهای شاعری را بلندتر و با ضرب‌کردن اصالت‌های گذشتگان در نوآوری، خود طی خواهند کرد.

بزرگانی مثل « فرید » که اکنون ساکن تهران هستند و خسرو احتشامی به نظر من از چهره‌های درخشان شعر امروز اصفهان و ایرانند و همچنان نسبت به ارزشی که شعرشان دارد، گمنامند. اینها - ان شاءالله - با درک رسالت نشر و ابلاغ پیام که مفهوم رسالت شاعری است، - همچنانکه رسالت پیامبری - پیامشان به مردم خواهد رسید و علی‌رغم سکوتی که امروز در زمینه ادبیات اصفهان هست، دیر یا زود اثر خود را در تاریخ ادبیات ایران خواهد گذاشت و بخش مهمی از آن را به خود